

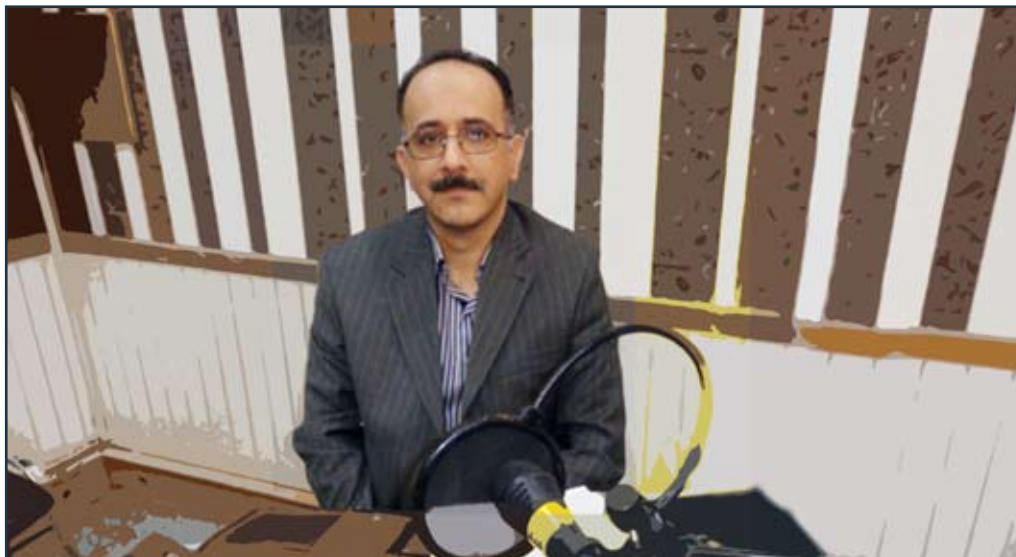
نقش فناوری اطلاعات در توسعه و تعمیق نظام‌های آماری

معاون طرح‌های آماری و آمارهای ثبتی مرکز آمار ایران

هدف گذاری ما برای آینده افزایش سهم اینترنت است

گفتگو: علی جعفر دهکردی، سعید فیاضی

بدون تردید، یکی از فناوری‌هایی که می‌تواند بستر ارائه آمار به‌روز و به‌هنگام برای محققان، برنامه‌ریزان و مسئولان مختلف را فراهم کند، فناوری اطلاعات است. این فناوری‌ها ضمن فراهم آوردن دقت و سرعت موجب کاهش هزینه‌های اجرایی نیز می‌شوند. یکی از ابعاد مهم و موثر بر فناوری اطلاعات، بُعد اطلاعات و آمار و مباحث جمعیت‌شناسی و ابعاد مرتبط با آن است. بر این اساس، برای بررسی این بعد، به سراغ آقای علیرضا زاهدیان رفتیم و نقطه نظرات این کارشناس ارشد نظام آماری را جویا شدیم که به نظر خوانندگان می‌رسد.



جامع ثبت‌های آماری، موسوم به «ایران استارز IRANSTARS»، تصریح می‌کند که با اجرای طرح مذکور، این مرکز قادر خواهد بود هر سه ماه یک بار آمار به روز کشور را اعلام کند و ادامه می‌دهد: ایران استارز مبتنی بر چهار ثبت پایه است: ۱. جمعیت، ۲. املاک و مستغلات، ۳. کسب و کار و ۴. فعالیت

برای تحقق «ثبت جمعیت» باید یک پایه اطلاعات جمعیت کشور ایجاد شود که سرشماری سال ۹۵ این پایه را شکل داد. سپس از آن مقطع زمانی، اگر کسی در کشور به دنیا آمد یا فوت کرد باید از طریق ثبت احوال اعلام شود که دیتا ذیربط اصلاح شود. اگر کسی از کشور خارج یا وارد شد، نیروی انتظامی آن‌را اعلام کند تا آمار اصلاح شود. بنابراین در مرحله اول با این دو منبع می‌توانیم جمعیت کلان کشور را هر سه ماه یکبار اعلام کنیم.

در مرحله دوم اینکه جمعیت کشور در کجا زندگی می‌کنند و در کدام شهر ساکن هستند مورد نیاز است. که این مرحله کمی دشوار

با عنایت به نقش تعیین کننده آمار نظام برنامه‌ریزی ناظر بر آینده کشور، مرکز آمار چه رویکردهایی را در بستر فناوری اطلاعات در دستور کار دارد؟

در رابطه با بحث‌های جمعیت، یکی از رویکردها در قبال سیاست‌های کلان جمعیتی که توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شده، «رصد و دیدبانی» است. در این راستا ابتدا سیاست‌های چهارده بندی را به شاخص تبدیل کرده که برخی شاخص‌ها با آمارهای موجود قابل اندازه‌گیری است و بعضی آمارگیری‌های دیگر نیز باید به مرور طراحی و تهیه شود. برخی هم تبدیل خود مفهوم به عدد و رقم، نیازمند نظریه‌پردازی است که قبل از این که وارد مرکز آمار بشود، باید دستگاه متولی امر، این مهم را اجرایی کرده باشد. بعد که نحوه کمی‌شدن مشخص شد سپس اندازه‌گیری می‌شوند و در خصوص اینکه چگونه به داده‌های قابل استفاده تبدیل شوند طرح ارائه می‌گردد.

وی با اشاره به رویکرد دیگر مرکز آمار ایران تحت عنوان؛ نظام

است. در این راستا مرکز آمار بدنبال شکل گیری یک آدرس قانونی است که هر ایرانی یک آدرس داشته باشد که وقتی شماره ملی اش را اعلام می کند نیازی به ارائه آدرس نداشته باشد؛ لذا همانطور که در کشور ما یک کدپستی بر هر آدرسی مترتب است، شماره ملی هر فرد هم باید مضمّن یک کدپستی باشد. بدیهی است این موضوع نیازمند قانون است که قانون آن موجود است ولی باید اجرایی شود. براین اساس هر ایرانی باید موظف شود آدرس خود را اعلام کند و اصلاحات احتمالی نیز ثبت شود. این اتفاق از نظر حقوقی فارغ از اینکه آماری استخراج شود برای کشور لازم است و باید پایه ای بر این مبنا شکل بگیرد.

ملاحظات و زمینه های قانونی آن در کدام بخش است؟

قوانین موجود مربوط به آدرس قانونی یک قسمت در ثبت احوال و بخش دیگری در شرکت پست است اما عملا اجرا نمی شود و اهتمام لازم بعمل نمی آید. لذا باید این آدرس قانونی پیگیری شود و در سال ۹۶ بعد از سرشماری جاری شود اگر نشود بسیاری از مباحثی که به جمعیت متصل می شوند را نمی توان به دقت و با سرعت بیان کرد. از جمله دیگر اقدامات اتصال شماره ملی به قبوض برق است و متعاقب آن اتصال قبوض برق به کدپستی است. این پروژه هایی است که در دستگاه های اجرایی در حال پیگیری است. بنابراین از نظر حقوقی باید ابتدا آیین نامه ها به روز رسانی و در صورت نیاز تدوین شود، سپس، عزم ملی شکل بگیرد و اجرایی شود. وقتی اجرایی شد معلوم می شود ایرانی ها کجا زندگی می کنند و اگر جابه جا شدند از کجا به کجا رفتند. آمار ذریع هم بدست خواهد آمد که این مهم در قالب «ایران استارز» در حال پیگیری است. بدین ترتیب ثبت احوال باید دیتای لازم اولیه اعم از: زمان تولد، فوت، ازدواج و طلاق را برابر ساختاری که تعریف شده به مرکز آمار ارائه دهد.

در این راستا بستر شبکه ملی اطلاعات مطرح می شود که باید این دیتا در بستر شبکه ملی اطلاعات کشور و در بستری ایمن جابه جا شود و همین طور نیروی انتظامی در همان بستر اطلاعاتش را ارائه دهد تا امکان اتصال این اطلاعات به یکدیگر فراهم شود. آنگاه اطلاعات محرمانه شامل هویت افراد حذف و بقیه اطلاعات بی نام و بدون افشای هویت که اگر دست کسی هم بیفتد مهم نیست در اختیار برنامه ریزان قرار گیرد.

بنابراین مرکز آمار تمام توان خود معطوف خواهد کرد که اطلاعاتی که از سال ۹۵ به دست می آید با استفاده از پایگاه های اطلاعاتی و مقررات جدید به هنگام ماند تا اگر لازم شد سرشماری بعدی با هدف به هنگام شدن آمار اجرایی شود. البته عملیات میدانی لازم است که تکنیک های خودش را طلب می کند که به سرشماری «ثبّتی مبنا» موسوم است که هدف مرکز آمار هم ناظر بر سرشماری ثبّتی مبنا است. به این ترتیب یک پایه از چهارپایه، یعنی جمعیت عیان می شود.

بنابراین هر کدام از مراکز دارای دیتاهای کشور که دارای اطلاعات جمعیت باشند به این پایه وصل می شوند. مثلا نیروی انتظامی خودروها را شماره و شماره ملی مالکین خودرو را نگه می دارد بنابراین ما می توانیم آمار خودرو را به سایر دیتاها وصل کنیم. در وزارت علوم، اطلاعات فارغ التحصیلان به سطح تحصیلات

جمعیت وصل می شود. وزارت صنعت و معدن و تجارت، سامانه معاملات املاک دارد و هر کسی که معامله ای کند اعم از این که مستاجر باشد یا مالک به این سامانه وصل می شود. بنابراین بستری فراهم می شود که همگی به هم وصل می شوند و ثبت جمعیت را تشکیل می دهند.

بعد ثبت فعالیت، کسب و کار و مکان به هم وصل می شوند که می شود یک سیستم یکپارچه ای که کل داده های ثبّتی کشور را در برمی گیرد که آمارهای جمعیت یک بخش مهم آن خواهد بود و یک قسمت خروجی کار اطلاع رسانی به صورت آمار خواهد بود؛ که دیتاها تبدیل و خلاصه می شوند که این عدد و رقم در سرجمع می تواند از پایگاه اطلاعات آماری کشور برای استفاده کاربران این دیتا قابل دریافت باشد.

برنامه ریزی دیگری که در دستور کار قرار دارد این است که خود کاربران به دیتابیس خودشان؛ (بدون اطلاعات محرمانه) دسترسی داشته باشند، که در واقع هدف بلند مدت ما را در اطلاع رسانی، تهیه، به هنگام سازی و اطلاع رسانی آمارهای جمعیت را در برمی گیرد.

آیا برای دستیابی به این هدف بزرگ زمان بندی مدونی هم موجود است؟

هدف گذاری برای «پایه جمعیت» سال ۹۶ است و ثبت های فرعی باید تا پایان برنامه ششم به جمعیت وصل و تکمیل شود. یکی از چالش های یکپارچه شدن اطلاعات جمعیت شناختی در کشور وجود بعضی قوانین و مقررات است که تبادل اطلاعات باید روی شبکه ملی اطلاعات صورت گیرد و زیرساخت های لازم فراهم شود.

تبادل اطلاعات باید بر بستر شبکه ملی اطلاعات باشد. زیر ساخت های کشور تقریبا آماده است و آنچه بیشتر بدان نیاز داریم قوانین و مقررات است. مثلا در مقابل جریان های اطلاعاتی که باید به سمت مرکز آمار بیاید، قوانین مقرراتی وجود دارد که حتی مانع می شود و به آن ها اجازه می دهد که اطلاعات را نزد خود نگه دارند.

آیا در قوانین حقوقی چالشی وجود دارد؟

در قوانین مقررات، نکته چالشی تفاوت تعاریف مفاهیم قوانین حقوقی با تعاریف مفاهیم قوانین آماری است؛ برای مثال سختی کار همه جای دنیا بدین گونه است که مثلا قوانین حقوقی اگر یک کسی شغلش را از دست دهد و درخواست بیمه بیکاری کند و بیمه بیکاری برقرار شده باشد این می شود بیکار. ولی اگر کسی شغلش را از دست داده باشد ولی به دلایلی ترجیح دهد از بیمه بیکاری استفاده نکند، هم چنان جزء شاغلین باقی می ماند ولی در سیستم های آماری این بلافاصله باید ثبت شود این از لحاظ آماری، بیکار است. یا در مثال دیگر حقوقی هست که با آماری متفاوت است و حقوقی را نمی شود بر اساس آماری اصلاح کرد، چون قوانین





پایگاه اطلاعات آماری را تغذیه کند. وزارت ارتباطات هم می‌گوید من بستر شرایط اطلاعات و تبادل داده‌ها را فراهم می‌کنم ولی قوانینی که تبادل اطلاعات را راه می‌اندازد باید خود دستگاه‌ها با هم تفاهم کنند.

آیا بخش خصوصی هم به این حوزه ورودی داشته است؟
خیر چون منفعی در حوزه وجود ندارد بخش خصوصی هم توجهی برای ورود ندارد. ضمن اینکه قوانین اجازه بخش خصوصی به محدوده اطلاعات افراد وارد شود را نمی‌دهد.

در کشور و بالطبع در اکثر سازمان‌های دولتی، جایگاه نظام علمی و ساختارهای روشن آینده‌پژوهی خالی است. بیشتر مسئولان، نگاه آینده‌نگرانه در مباحث برنامه‌ریزی استراتژیک را نوعی آینده‌پژوهی می‌دانند؛ و این در حالی است که از نظر آینده‌پژوهان، حتی راهبردها که زمانی برنامه‌های بلند مدت را حمایت می‌کردند نیز، مرده به دنیا می‌آیند. در خصوص وجود آینده‌پژوهی در مرکز آمار ایران چه ارزیابی را دارید؟

اگر آینده‌نگری از دیدگاه‌های برنامه‌ریزی استراتژیک و اینگونه دیدگاه‌ها باشد بله. ولی اگر از دیدگاه دیگر یعنی در مرحله‌ای نظام‌های آماری وزن آمارگیرها و جمع‌آوری داده‌ها به صورت مقطعی خیلی بیشتر بود به عبارت دیگر اگر بخواهیم دسته‌بندی کنیم اینگونه دسته‌بندی می‌شدند و اساسا در مقطعی سرشماری‌ها اصل کار بودند؛ یعنی هر وقت می‌خواستند اطلاعاتی به دست بیاورد باید کل کشور یک اطلاعاتی را ثبت می‌کرد. بعد علم آمار پیشرفت کرد و گفتند خب ما با یک نمونه‌ای با یک خطای قابل قبولی همان عدد را به دست بیاوریم، منتها با هزینه کمتر؛ بعد تعمیم بدهیم. بنابراین نمونه‌گیری‌ها خیلی توسعه پیدا کرد.

حقوقی کشور است ولی باید این دو را با هم ارتباط داد و آمارهای که از سامانه‌هایی که پشتوانه شان مفاد حقوقی است تبدیل بشوند به آمار.

در بررسی‌ها و مصاحبه‌های مختلف آرا با صاحب‌نظران حوزه فناوری اطلاعات و بخش‌های مختلف دیگر که با این حوزه مرتبط است، نقص نظریه‌پردازی مشهود است. شما چه خلای ای احساس می‌کنید؟

به آن صورت ما نظریه‌هایی در این خصوص نداریم. نظریه‌ها و مباحثی در خصوص این که چه نوع ثبت‌هایی به هم ببیوندند تا ثبت جمعیت شکل بگیرد تقریبا در دنیا جا افتاده است. در بعضی کشورها می‌گویند که باید ثبت احوال که ما می‌گوییم سرشماری، باید شامل آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و... باشد؛ منتها مثلا خدمات بهداشت و درمان در کشور ما بر اساس شماره ملی نیست.

خیلی از کشورها اطلاعاتی که از سامانه‌های پزشکی به دستشان می‌رسد خیلی کمک کننده است چون آدرس را باید بدهد داده‌ها همان جا ثبت می‌شود ولی در کشور ما این هنوز اعمال نشده. یا مثلا سامانه‌های مالیاتی در خیلی از کشورها آن قدر دقیق است که به اطلاعات جمعیتی هم کمک می‌کند ولی در کشور ما فعلا این پوشش کامل نیست و فقط سراغ کسانی می‌روند که درآمدی دارند. بقیه را دیگر نمی‌شود از سامانه‌ها به دست آورد.

در راستای ارتباطات مرکز آمار و دولت الکترونیک چه سازوکاری وجود دارد؟

دولت الکترونیک می‌گوید؛ مرکز آمار باید پایگاه اطلاعات آماری کشور را راه اندازی کند و تمام دستگاه‌های اجرایی باید اطلاعاتشان را به مرکز آمار وصل کنند که مرکز آمار بتواند این



برنامه‌ریزی دیگری که در دستور کار قرار دارد این است که خود کاربران به دیتابیس خودشان؛ (بدون اطلاعات محرمانه) دسترسی داشته باشد، که در واقع هدف بلند مدت ما را در اطلاع‌رسانی، تهیه، به‌هنگام‌سازی و اطلاع‌رسانی آمارهای جمعیت را دربرمی‌گیرد.

و خودمان از دیتابیس‌های دیگر در کشور استخراج کنیم و مثلاً از خانوارها فقط بخواهیم تا آن‌ها را تایید کنند یا سئوالات کوتاه‌تر و کمتری مطرح شود.

موضوع کاهش رشد جمعیت چقدر مورد توجه مرکز است؟

این مسئله در سرشماری سال ۱۳۸۵ برای مرکز آمار مشخص شده بود و در سال ۱۳۸۶ کنفرانس تحلیل نتایج سرشماری را برگزار در آن‌جا مرکز آمار اظهار کرد که رشد جمعیت ما از آن‌چه می‌خواستیم پایین‌تر آمده و نرخ باروری به حدی رسیده که نباید این وضع ادامه پیدا کند؛ ولی خیلی جدی گرفته نشد. وقتی نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ بیرون آمد و نرخ باروری ۱/۸ اعلام شد، همه مطمئن شده بودند که باید سیاست‌های جدید اتخاذ کرد.

ضمناً فاصله کشور با کشورهای دیگر را در بعد فناوری اطلاعات زیاد نیست و چالش اصلی در این بعد را کمبود یا کافی نبودن قوانین برای الزام دستگاه به ارائه داده‌ها به مرکز آمار ایران است.

از نظر تکنولوژی ما فاصله زیادی نداریم؛ یعنی همین که ما توانستیم در کشورمان یک سرشماری اینترنتی انجام دهیم که دقیقه‌ای ۶۰ هزار نفر ببینند و در پایگاه ثبت نام کنند و این از نظر امنیت اطلاعات، توانستیم موفق عمل کنیم. ولی از نظر قوانین و مقرراتی که در این بستر تکنولوژی در کشور فراهم شده جریان دیتا را فراهم کند هنوز فاصله داریم.

همین که بعضی جاها مشاغل، پایگاه‌ها ملزم به ارائه اطلاعات نیستند و این یک قسمت بحث است و یک قسمت دیگه اگر دیتایی که ثبت می‌شود آن دیتا از استانداردهای لازم برای تبدیل به آمار برخوردار نیست.

بعد که فناوری و تکنولوژی پیشرفت کرد بحث‌های مربوط به آمارهای ثبتی آمد، استراتژی بلند مدت ما مبتنی بر بالا بردن سهم آمارهای ثبتی در نظام آماری قرار گرفت.

یکی از نمودهای استفاده مناسب از فناوری اطلاعات در افزایش سرعت، دقت و کاهش هزینه‌ها، سرشماری اینترنتی سال ۱۳۹۵ کشور بوده است. در این خصوص چه توضیحی دارید؟

در سرشماری کشورهای دیگر؛ که اولین سرشماری اینترنتی را انجام می‌دادند، نرخ مشارکت مردم در آن پایین بود. حتی پایین‌تر از ۱۰٪؛ در پیشروترین کشور در این زمینه یعنی کانادا در اولین سرشماری اینترنتی آن‌ها ۱۸٪ و در دومی ۵۴٪ (سال ۲۰۱۶) و بعدی ۶۸٪. رتبه بعدی مربوط به کشور استرالیا است که در اولین سرشماری ۱۳٪، در دومی ۳۳٪، در سرشماری سوم حدود ۵۴٪ اعلام شد. کره جنوبی در سرشماری اول ۵۱٪ مشارکت، در دومی ۴۸٪ و ژاپن هم برای اولین ۳۹٪ بود. ما بین کشورهایی که اولین بار اجرا می‌کنند بالاترین عدد را به‌دست آوردیم که ۴۷/۵٪ نرخ مشارکت شد ولی در مجموع بخواهیم بررسی کنیم فعلاً جایگاه سوم را داریم. این نشان می‌دهد که کانادایی که پیشرو است نتوانست به ۱۰۰٪ برسد در سه تا سرشماری توانسته به ۶۸٪ برسد، هدف‌گذاری ما باید افزایش سهم اینترنت باشد.

آیا اهداف دیگری هم در سرشماری اینترنتی مورد نظر بوده است؟

هدف دیگر باید این باشد که برای این که اطلاعات خانوارها گرفته شود، باید یک پرسشنامه‌ای پر و اطلاعاتی اظهار شود. حال این سوال مطرح می‌شود که ما چقدر از این اطلاعات را می‌توانیم از خانوار نپرسیم